

رباط شرف

ترجمہ



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنال جامع علوم انسانی

از کتاب: «آثار ایران»، تألیف آندره گدار

رباط شرف

(۶)

در انتهای هشتی مذکور، برپیشانی طاق ایوان تعداد کثیری فرورفتگی و برجستگی مربوط به مقرنس کاری^۱ وجود دارد که آنها نیز مانند کتیبه سابق الذکر از گچ ساخته و قالب گیری شده اند.

همینکه از در ایوان بگذریم به راهرو یا دالانی داخل می شویم که در سمت چپ آن دری بچشم می خورد که متعلق به یک شبستان است، نظیر دری که در راهرو مدخل بنای رباط نیز وجود داشت. در جانب راست این راهرو در دیگری هست که به کشیک خانه تعلق داشته و با احتمالاً اتاق دربان بوده است. اندکی دورتر دومعبر نظیر آنچه در دالان اول دیدیم وجود دارد. این دومعبر یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ واقع شده اند و هر دو

۱- فرورفتگی های مقرنس کاری را به زبان فرانسوی Niche می خوانند ولیکن این فرورفتگی ها در اصطلاح معماری خراسان در صورتی که سطحی و کم عمق باشند «تاسه» و هرگاه عمیق باشند «تنوره» خوانده می شوند. برجستگی های مقرنس کاری نیز بر سه قسم است و هر یک از آنها در اصطلاح معماری خراسان نامی مخصوص دارد: اگر نوک تیز باشد آنرا «پاباریک» و اگر نوک پهن باشد آنرا «سینه باز» و اگر دارای برجستگی مضاعف باشد آنرا «وکابی» می گویند (۴-)

منتهی به ساباطی می‌شوند که گراگرد صحن دوم را فرا گرفته است .

شبستان متشکل از دو رواق است . این رواقها روزگاری سرپوشیده و مسقف بوده‌اند . سقف یکی از آنها قوسی یا گهواره‌ای^۲ و سقف دیگری عر قچینی^۳ بوده است . بنظر می‌رسد که در آغاز امر دیوارهای این دورواق فقط تزییناتی معمولی و عادی داشته‌اند و این قِسم تزیین هنوز هم دیوارهای رواق اول را پوشانیده است (تصویر ۳۵) و چنانکه در تصویر ۱۴ ملاحظه می‌شود دیوارهای رواق گنبددار شبستان صحن دوم نیز سابق برای این در نقاطی که بسال ۵۴۹ هجری قمری گچ‌اندود شده و بعد گچ‌آن ریخته است از همین نوع تزیین پوشیده بوده است .

تصویر شماره ۱۴ یکی از چهار فیل گوش (یا نوعی فیل گوش) را که در روزگار گذشته گنبد بر آن تکیه داشته است نشان می‌دهد . شکل و طرح فیل گوش مذکور در نظر بیننده بمانند طرحی تازه و بدیع جلوه می‌کند ولیکن چنین نیست و چنانچه خوب دقت شود ملاحظه می‌گردد که فقط تزیینات و نقش و نگار آن تغییر یافته است . چهار ضلع از هشت ضلع ساقه گنبد^۴ که سابقاً با روسنگینی گنبد را تحمل می‌کرده است بر این فیل گوشها قرار داشته . محراب این رواق به وضع بسیار نامطلوب و بدی نگهداری شده است و لیکن محراب رواقی که سقف گهواره‌ای دارد به وضعی است که خوانندگان در تصویر شماره ۳۵ ملاحظه می‌کنند . این محراب آنچنانکه از ظاهرش

۲- به فرانسه : En berceau

۳- به فرانسه : En coupole

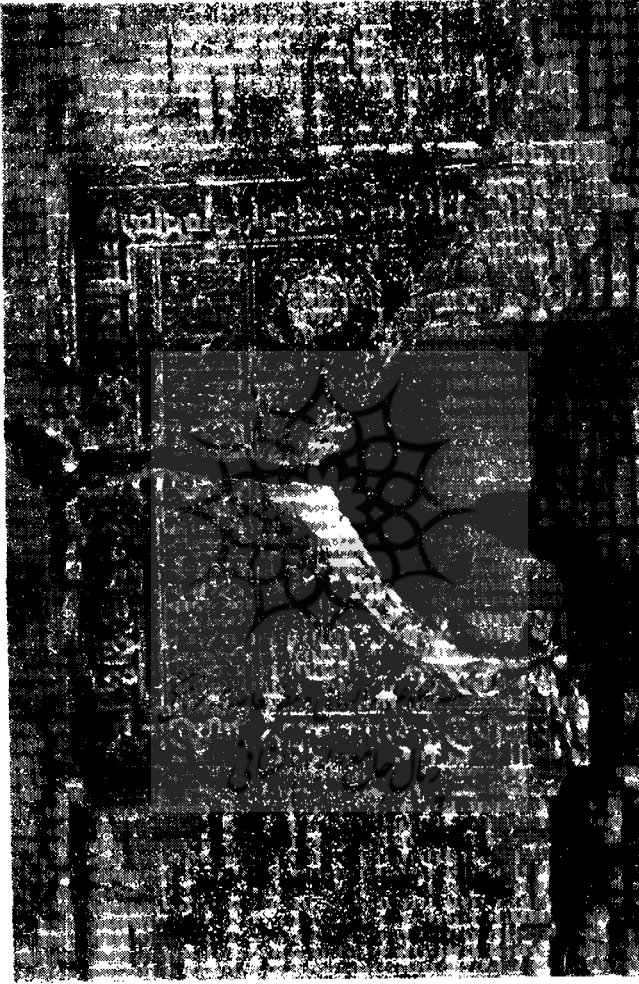
۴- معادل کلمه فرانسوی Tambour در اصطلاح معماری خراسان (۲)

پیدا است نظیر محراب شبستان دیگر است (تصویر شماره ۳۶) و قطعاً مانند
 همان محراب در سال ۵۴۹ هجری بر روی دیوار پیشین بنا شده است. در



تصویر شماره ۳۵ - محراب شبستان صحن دوم

هر دو محراب آیه ۲۵۶ از سوره دوم قرآن^۵ بر کتیبه دوران دور محرابها و کلمه



تصویر شماره ۳۶ - محراب شهبستان صحن اول

۵- مقصود این آیه است : انه لاله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات وما فی الارض من ذالذی یشفع عنده الا باذنه یمین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشئ من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده حقلهما وهو العظیم .

شهادت مسلمانان یعنی لاله الا الله و محمد رسول الله بر کتیبه افقی آنها بخط برجسته گچ‌بری شده است. عرض کامل هر دو محراب یکسان و معادل است با ۲/۱ متر و نیز عرض نُفْلِ محرابها در هر دو ۹۸/۰ متر می‌باشد.

طاق‌نماهای بنا در صحن دوم که فقط یکی از آنها بطور کامل بر جای مانده است در ابتدای امر مانند نماهای صحن اول از پایه‌های قطور و سنگینی تشکیل می‌شده و هر پایه بوسیله طاقی که سقف نیم چشمه داشته به پایه دیگر متصل می‌گشته است (تصویر شماره ۳۷) من گمان نمی‌کنم که هنر اسلامی در کار صنعت معماری هرگز چیزی موزون‌تر و خوش‌ترکیب‌تر از آن بوجود آورده باشد. این بنا هم از نظر تناسب اجزاء و هم از نظر زیبایی و ظرافتی که در تزیینات آن بکاررفته است یکی از شاهکارهای هنر معماری محسوب می‌شود. اما با این همه این نماها را باید چیزی معمولی و عادی تصور کرد که در همه جا هست.

برپیشانی هر يك از طاق‌نماها کتیبه مرتفعی از آجرهای تراشیده وجود دارد که برگرداگرد سردر بزرگ ایونها می‌چرخد و پس از آنکه چند متر پایین آمد به طرفین انحراف پیدا می‌کند، چنانکه در تصویر ۳۸ قسمت اولیه این خمیدگی و انحراف بخوبی مشاهده می‌شود. اما هر گاه به قسمت تحتانی بنا

۶- مقصود قسمت فرورفته محراب است که در زبان فرانسه آنرا Niche می‌خوانند و در اصطلاح معماری خراسان به آن «نفل» می‌گویند ولی صحیح آن «نفل» است که در فرهنگها بصورت «نفل» و «نفل» بمعنی «کنده‌ای در کوه و صحرا برای گوسفندان» ضبط شده است. رودکی نیز آنرا به همین معنی بکار برد است و گوید:

گوسپندیم و جهان هست به کردار نفل چون گه خواب بود سوی نفل بایدشند

(رک: فرهنگ معین) ۴.

توجه کنیم چنین بنظر می‌رسد که پایه‌های بنا از میان توده‌های خاک و ذرات آجر بیرون آمده است ولیکن در حقیقت توده‌های خاک مزبور اجزاء و پاره‌های

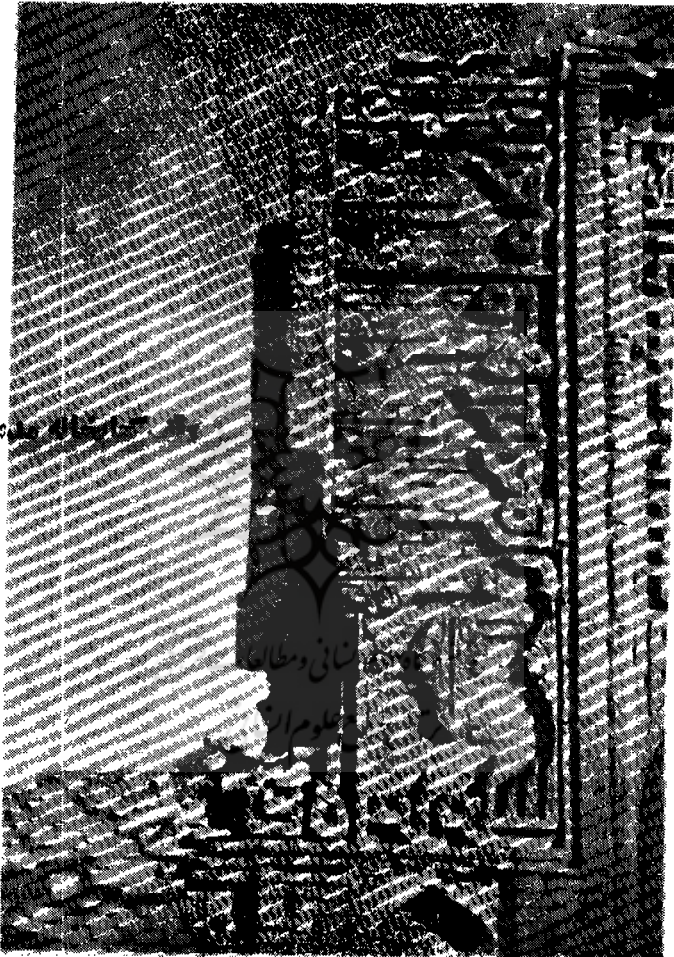


تصویر شماره ۳۷ - نمای معمولی صحن دوم

خود بنا هستند که بتدریج فروریخته و امروز پایه‌های بنارا دربر گرفته‌اند. پایه‌های معمولی بنا در صحن حیاط دوم شبیه پایه‌های بنا در صحن حیاط اول هستند به این معنی که هر پایه از دو جرز تشکیل شده و بین هر دو جرز دوطاق نما بر بالای هم قرار گرفته است ولیکن زوایای قدامی جرزها با ستونهای کوچکی مزین شده‌اند (تصویر شماره ۳۰). بعلاوه پایه‌های ایوانها (تصویر شماره ۲۵) با پایه‌های معمولی نماها تفاوتی ندارند جز آنکه طاق نماهای آنها کم عمق و مسطح هستند نه هلالی و نیم دایره، و همین موضوع سبب می‌شود که بر اثر حرکت سایه و بازی نور بر روی دیوارها، بنا در نظر بیننده با عظمت‌تر و مستحکم‌تر از آنچه هست جلوه می‌کند.

اتاقهایی که سقف قوسی (گهواره‌ای) دارند و در قسمتی از بنا قرار گرفته‌اند که نسبت به رواق و اتاقهای دیگر قرینه است و بوسیله راهروهای شرقی و غربی از صحن حیاط مجزا شده‌اند بی اندازه ساده و بی پیرایه هستند. برعکس دودستگاه عمارتی^۷ که در دو طرف ایوان انتهایی بنا واقع شده‌اند بسان کاخی واقعی تزیین شده‌اند. من نقشه تفصیلی یکی از این دودستگاه عمارت را در اینجا به نظر خوانندگان می‌رسانم (تصویر شماره ۳۹). بطوریکه در تصویر ملاحظه می‌کنید در این عمارت انسان از راهرو شمالی به صحن یا حیاط کوچکی داخل می‌شود که در اطراف آن چهار ایوان وجود دارد. در این رباط دوره سلجوقی دو صحن یا دو حیاط دیگر هم هست که هر یک چهار ایوان دارند. از این قرار مجموع آنها چهار حیاط چهار ایوانی می‌شود. این موضوع مهم و قابل ملاحظه ظاهراً ثابت می‌کند که این نوع نقشه،

مدارس بلکه در ساختمان خانه‌های ساده نیز رایج و معمول بوده است زیرا
یعنی حیاطی با چهار ایوان، در آن عصر نه تنها در معماری کاروانسراها و



تصویر شماره ۳۸ - قسمتی از نمای ایوان انتهائی

دو دستگاه عمارت رباط شرف چیزی جز دو خانه معمولی نیست^۸. در این نقشه چند اتاق بی پنجره در گوشه دو عمارت بچشم می خورد آنهم فقط در سمت شمال. دلیلش هم اینست که عمق ایوان جنوبی که در ورودی عمارت در آن واقع شده است چندان زیاد نیست. ایوان شرقی به یک رواق چهارگوشی راه می دهد که عرضش بیش از هفت متر است.

این رواق بزرگ مسقف است و سقف آن از نوع گنبدی یا عرقچینی است که بر روی فیل گوشهای چهار زاویه بنا قرار گرفته است (تصویر شماره ۱۵) و بر همین اسلوب است رواقی که در زاویه شمال شرقی رباط با آن قرینه است و نیز رواقی که بر محور بنا و در انتهای نقشه واقع شده و چهار رواق دیگر که مدخل آنها در منتهی الیه ایوانهای شرقی و غربی حیاط صحن اول و دوم است همه بر همین وجه هستند.

از این قرار هفت گنبد از دوازده گنبد بنا همه از یک نوع و دارای شکل مشابه و مشترکی هستند. گذشته از این نقشه و ساختمان گنبدهای مذکور در کمال سادگی و بی پیرایگی است. هیچ چیز در آنها مخفی و پیرشیده نیست، هیچ چیز در آنها زائد و بیهوده به نظر نمی رسد و از مشاهده آنها هیچگونه تردید یا تنازل خاطرری به انسان دست نمی دهد.

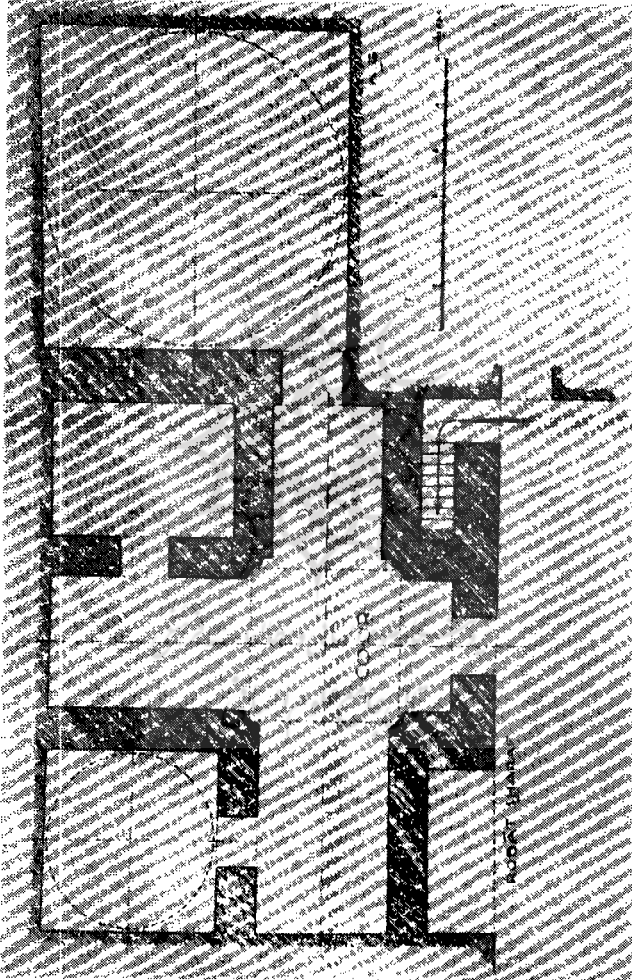
بدیهی است که سازنده آنها در اصول صنعت معماری و فن خود بتمام و کمال استاد بوده است و لیکن اصول این فن در آن زمان حد معلوم و ثابتی داشته و از این جهت وی جز در طرز آجرچینی و روکارهای گوناگون و متغیر

۸- برای تأیید این مطلب رجوع کنید به تصویر شماره ۵۶ (ص ۷۴ کتاب آثار ایران) به

نقشه خانهای در بامیان (افغانستان) که در سال ۶۱۸ هجری (۱۲۲۱ میلادی) بدست چنگیزخان

مغول ویران شده است.

بناآزاد نبوده است که تمایلات و تفننات خود را اعمال کند (تصویر شماره ۱۶).
این نوع طاق یا گنبد که شاید بهتر باشد آنرا «گنبد عرقچینی برطاقهای



تصویر شماره ۲۹ - نقشه تفصیلی عمارت

زاویه‌ای»^۹ بنامیم (زیرا طاقهای نیم‌چشمه‌ای که در قسمت عقب قوسهای فوقانی قیل‌گوشها دیده می‌شود بعد از بنای ساختمان بر آن افزوده شده‌اند، بهیچوجه با استحکام و دوام بنا تناسب ندارد) نمونه کاملی از ساختمان گنبد در معماری ایرانی و جامع تمام خصوصیات آنست .

این نوع گنبد در همه جا در ایران در بناهای عصر ساسانی دیده می‌شود. از آن جمله است در مسجد جمعه اصفهان (تصویر شماره ۴۰) ^{۱۰} در مسجد شهر قزوین ^{۱۱} در مدرسه حیدریه همین شهر ^{۱۲} در زواره ^{۱۳} در اردستان ^{۱۴} در گلپایگان ^{۱۵} در برسیان ^{۱۶} درستگان پایین (تصویر شماره ۶) و غیره . . . از این نوع گنبد حتی پیش از عصر ساسانی و در نتیجه قبل از تاریخ بنای رباط شرف در آرامگاه اسمعیل سامانی در بخارا ^{۱۷} و در آرامگاه ارسلان جاذب (؟) در سنگ بست ^{۱۸} نیز بچشم می‌خورد . ولیکن در هیچ کجا ساختمان و ترکیب این نوع گنبد به وضوح و روشنی رباط شرف نیست .

تبدیل طرح مربع به طرح مدور در دو رواق گنبددار که متصل به ضلع جنوبی رواقهای گوشه آپارتمانها هستند به نحو دیگری شالوده‌ریزی شده

۱- Coupole sur arcs d'angle

- ۱۰- روك: كتاب A Survey of Persian Art تصاویر شماره ۲۸۸ و ۲۹۰ - از تصویر شماره ۴۰ که منظره خارجی «گنبد صاحب» را نشان می‌دهد می‌توان دریافت که مقرنس‌کاری قسمت عقب طاقهای سه‌گنجه چیزی جز برای پر کردن فضای خالی نیست .
- ۱۱- ایضاً ، تصویر ۳۰۴ .
- ۱۲- روك: آثار ایران، چاپ ۱۹۳۶، تصویر ۱۹۸ .
- ۱۳- ایضاً تصویر ۱۹۲ .
- ۱۴- ایضاً ، تصویر ۱۲۳ .
- ۱۶- روك: مقاله «برسیان» بقلم Myron B. Smith در نشریه Ars islamica تصاویر ۱۲ و ۱۳
- ۱۷- روك: توران، اثر E. Cohn - Weiner ، تصویر III
- ۱۸- روك: A Survey of Persian Art ، ج ۴، تصویر ۲۶۰ ب .

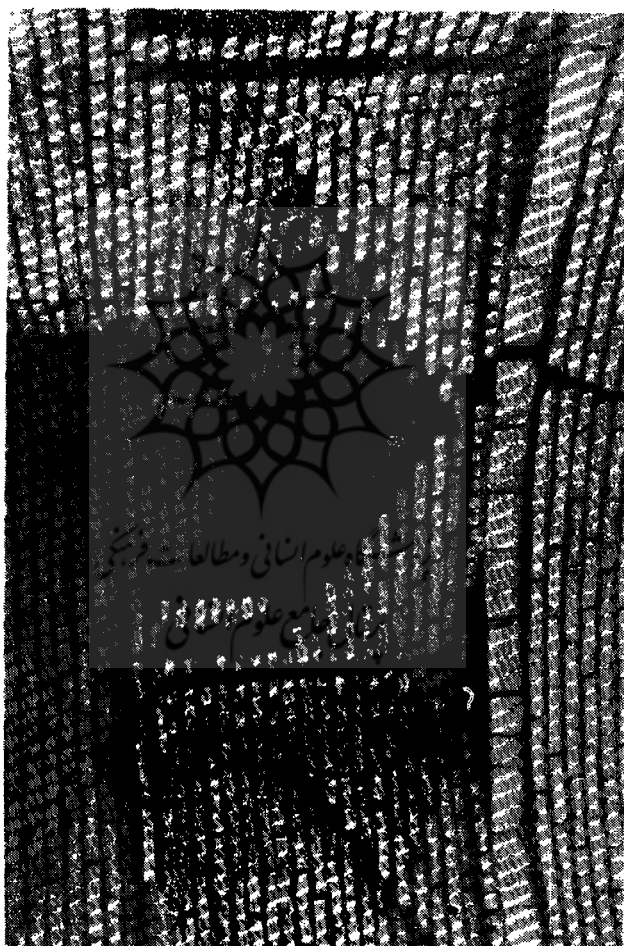
است. شاید بتوان گفت که سازنده بنا با همان سهولت و مهارتی که گنبد‌های اخیر الذکرینارا برطاقها قرار داده است در این دورواق نیز باهمان چابکی و سهولت طرح مربع را به ترتیبی که تصویر ۱۱ نشان می‌دهد به طرح مدور تبدیل کرده است. باید گفت که این طرح یک نوع تفنن و سرگرمی در هنر معماری است حتی کاری نیست که زور بازو بخواهد و نتایج مفید و استثنائی از آن انتظار داشته باشند. مشتی آجر بر روی هم نهاده و از آن چیزی ساخته اند که باندازه یک طاق ساده خوب که چهار آجر ضخامت داشته باشد استحکام ندارد. در حقیقت طبقات آجری که برای ساختن این تکیه گاه بر روی هم قرار گرفته اند در زیر بار سنگین گنبد تاب نیاورده و در هر فقره در محلی که دوردیف آجر به هم می‌رسند سبب ایجاد شکافی در سقف شده است.



تصویر شماره ۱۰. - اصفهان گنبد اصلی مسجد جمعه

دو گنبد آخرین ازدوازه گنبد رباط آنهايي هستند که رواقهای مربع کوچک دودستگاه عمارت صحن دوم را می‌پوشانند (تصویر ۱۲). قطر دایره این گنبد‌ها فقط چهارمتر است و سازنده آنها استعمال طاق یا تکیه گاه را بر روی کاربندی زوایای مربع بنا ضروری و لازم ندانسته و فقط به این اکتفا

کرده است که طاقهای مذکور را با چیزی که احتمالاً یک یا دو قطعه چوب بوده است بسازد، چیزی که سازنده خود نیز فخر و مباهاتی بآن نمی کرده



تصویر شماره ۲۱ - فیل گوش یکی از رواقهای گنبددار

و بهمین جهت آنرا در قالبی از گچ پوشانیده است.

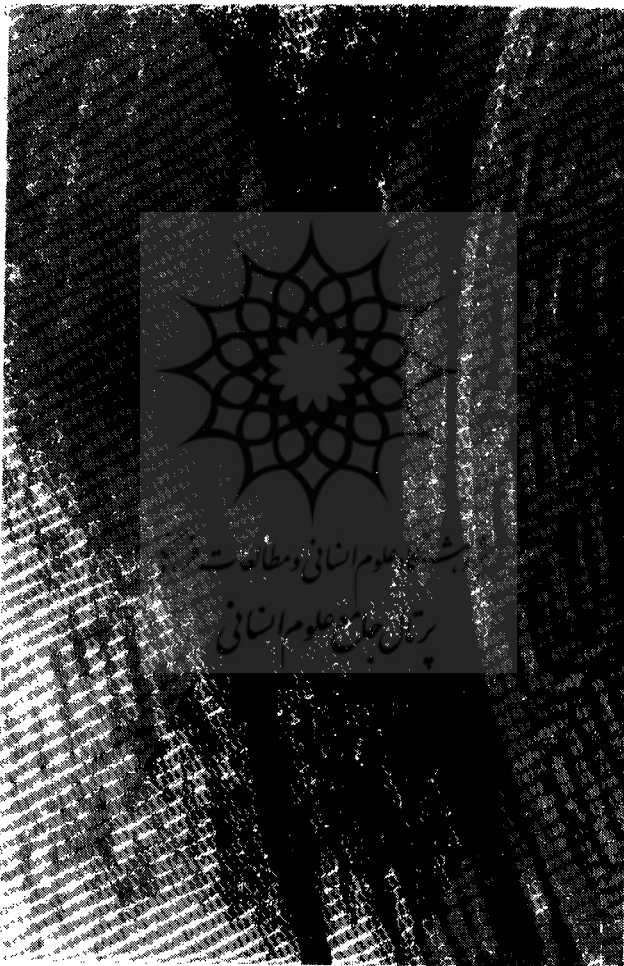
ایوان بزرگ صحن دوم، یعنی ایوان انتهای رباط، محلی است که بیش از همه جای دیگر رباط تزئین و آرایش یافته است. نمای این ایوان که بسیار زیبا و از لحاظ هنر معماری و گچ‌بری بسیار اصیل است به همان وضع و صورت اولیه باقی مانده است (تصویر شماره ۲۵) ولیکن تمام قسمت داخلی آن در سال ۱۳۴۹ ه. ق (مطابق با ۵ - ۱۱۵۴ میلادی) با تزئین و آرایش جدیدی از نو اندود و گچ‌بری شده است.

پیشانی و نمای این ایوان مانند پیشانی در بزرگ ورودی رباط مرکب است از یک طاق مرتفع که بر بالای آن سطحی مزین به نقش گل و بوته از آجرهای تراشیده دیده می‌شود و گرداگرد آنرا کتیبه‌ای بخط کوفی معمول در آثار تاریخی فرا گرفته که آنهم از آجر تراشیده و برجسته است. قسمت فوقانی این کتیبه چنانکه در مورد ایوان در بزرگ ورودی ازین رفته است اما در زیر محل نصب آن کتیبه کوچکتري بجای مانده است که آنهم به خط کوفی و با آجرهای تراشیده ساخته شده است (تصویر شماره ۴۳) کتیبه اخیر الذکر نام محرر یا کاتب کتیبه بزرگ را برای ما معلوم و روشن می‌سازد. «این کتیبه» علی‌الظاهر به متن کتیبه‌ای اشاره می‌کند که گرداگرد پیشانی ایوانها و طاقهای صحن اول و دوم را زینت بخشیده است: متن کتیبه و ترجمه آن چنین است:

حرر هذه الكتابة علی یادی (ظ = یدى) ابى منصور اسعد بن محمد الطرائفى السرخسى غفر الله له ولوالده . . .

ترجمه: «تحریر کرد این کتیبه را ابی منصور اسعد فرزند محمد طائفی (طرائفی) سرخسی علی‌آبادی که خداوند گناهان او و پدرش را بیامرزد».

در قسمتهای عمودی کتیبه بزرگ که تنها قسمتی است که از آن بجای مانده در طرف راست چنین می‌خوانیم :



تصویر شماره ۴۲ - قیل گوش یکی از رزاقهای گنبد دار

.... ابوالقاسم

و در طرف چپ، این عبارت ناقص مشاهده می‌شود (تصویر ۳۸):



تصویر شماره ۴۳ - قسمتی از نمای ایوان انتهائی

لهما فی شهور سنۃ ثمان

یعنی: بر آنها باد. در ماههای سال ۸۰۰۰۰.

پس تاریخ ساختمان بنا، یا آنکه یکی از تاریخهای مربوط به آن، در همین کتیبه بوده ولیکن در حال حاضر جز رقم آحاد چیزی از آن باقی نمانده است. من تصور می‌کنم که این تاریخ ۵۰۸ هجری (مطابق با ۵۰۰-۱۱۱۴ میلادی) باشد و دلیل آنرا اکنون بیان خواهم داشت.

قبلاً ضمن صحبت از تجدید بنای رباط بسال ۵۴۹ هجری در باب قسمت داخلی ایوان بحث کردم و بدین مناسبت متن کتیبه گچ‌بری شده را که بر گرداگرد ایوان قرار گرفته است نقل نمودم. اکنون ترجمه آن کتیبه را که در این بحث مورد حاجت خواهد بود مجدداً نقل می‌کنم.

در این کتیبه نوشته شده بود:

در عهد دولت بلند مرتبه سلطان معظم، شاهنشاه اعظم، مالک رقاب امم، سرور ملوک عرب و عجم، که خدای عمر او را دراز گرداناد. معزالدنیا والدین ابوالحارث سنجر پسر ملک‌شاه برهان امیر المؤمنین که خدای به انصار وی عزت دهد. به اهتمام خانون... مسامین، ملکه زنان عالم، عزیز شده آل افراسیاب، قتایغ بلکاسیده ترکان، دختر خاقان اعظم، که خدای مرتبه داند او را پایدار گرداناد... در ماههای سال ۵۴۹ هجری.